

رفتار تولیدی در خانه (مطالعه موردی: تولید در خانه در قشر مذهبی شهر قم)



مسعود ناری قمی*

استادیار معماری دانشگاه کاشان

محمد مسعود امینی**

دانشجوی کارشناسی معماری، دانشگاه غیرانتفاعی شهاب دانش، قم، ایران

مهدی فروتن***

دانشجوی کارشناسی معماری، دانشگاه شهید رجایی، کاشان، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۰۱/۳۰ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۵/۰۳/۱۳

چکیده:

مسکن به معنای مکان وقوع زندگی، می‌تواند گستره وسیعی از کیفیات را شامل شود که وجه تولیدی انسان، یکی از آنهاست. در آموزه‌های اسلامی، نگاه مولد به حضور خانگی انسان، دارای مبانی مستحکمی است؛ این در حالی است که رویکرد مدرنیته به سکونت، با نگاه تفکیک کار از فراغت، منجر به «فراغتی» نگاه کردن به حضور خانگی انسان شده است؛ در این نوشتار، ابتدا با روش تفسیری تاریخی، ضمن بررسی نگرش اسلام به موضوع، تحول مورد نظر مدرنیته در بحث تولیدی بودن یا نبودن حضور خانگی انسان، بررسی و در سه گونه نگرش، طبقه‌بندی و تشریح شده است: بهینه‌سازی کارخانگی، حذف کار خانگی و بالاخره رویکرد تبدیل خانه به حوزه کار جمعی (اشتراکی). در این بحث نشان داده شده است که حذف کار از خانه، رویکرد اصلی مدرنیته است که اثر عمیق خود را بر سبک زندگی و قالب کالبدی آن در حوزه اسلامی نیز گذاشته است؛ سپس یک پیمایش کمی - کیفی در مورد میزان حضور الگوهای رفتاری - مکانی وابسته به تولید در خانه (با تأکید بر الگوهای مکان - رفتار مربوط به آشپزخانه) در میان گروه نمونه‌ای از قشر مذهبی شهر قم انجام شده است و نتایج آن در قیاس با تعالیم اسلامی و تحولات ناشی از مدرنیته به بحث گذاشته شده است؛ تداوم برخی الگوهای تولیدی مورد نظر اسلام، بویژه در گونه مسکن‌های حیاطدار و حذف یا تضعیف برخی دیگر، از جمله نتایج این پیمایش است. مجموعاً پیمایش مزبور، توجه به وجه تولیدی حضور انسان در خانه را در میان قشر مورد آزمون، همچنان، با اهمیت نشان می‌دهد؛ به نحوی که می‌توان انتظار داشت با تأمین شرایط محیطی مناسب، این رویکرد مطلوب اسلامی در سکونت، بار دیگر جایگاه خود را بازیابد.

واژه های کلیدی: مسکن اسلامی، تولید، مدرنیته، کار خانگی، شهر قم.

۱. مقدمه

«روایت شده است که زنان به پیامبر (ص) گفتند: ای رسول خدا! مردان، ثواب و فضیلت جهاد در راه خدا را در ربوندند. ما چه کاری انجام دهیم که به آن وسیله بتوانیم پاداش مجاهدان در راه خدا را دریابیم؟ فرمودند: کار خانه و اشتغال هر یک از شما برابر کار مجاهدان در راه خداوند است» (فتال نیشابوری ۱۳۶۶، ۵۹۸). کاهش ارزش کارخانگی - بویژه کار در آشپزخانه - از آورده‌های عصر روشنگری و تجدیدنظرطلبی است؛ زمانی که اصالت اجتماع بیرون و ارزشمندی آن بتدریج جای خانواده را در اذهان می‌گرفت و تئوریزه شدن آن در آرای مارکس و انگلس، تأثیرگذاری آن را تثبیت کرد (مدنی‌پور ۱۳۸۷)؛ بویژه در جامعه‌ای که پول ارزش نهایی را تعیین کند، کار خانگی که فاقد ارزش افزوده مشهود است، تحقیر می‌شود (McBride ۱۹۹۶). با اینحال بجز حوزه اسلامی که در آن کار خانگی برای زن و مرد از متعالی‌ترین امور، تلقی شده و الگوهای بشری اسلام (حضرت علی - علیه السلام - و حضرت زهراء - علیها السلام) بواسطه پرداختن به آن، ستایش شده‌اند، می‌توان دید که گاه در جوامع پیش از صنعتی، این امر دارای وجوه رمزآلود و مقدّسی بوده است که تا امروز نیز تداوم آن دیده می‌شود و از میان رفتن آن بیشتر یک موضوع مربوط به عالم مسیحیت است تا مسأله‌ای جهانی (Mazumdar and Mazumdar ۱۹۹۹).

با این حال، کارخانگی برای بسیاری زنان حتی در دوران کنونی، ارزشی است اجتماعی و نمادین که برخی مطالعات معاصر، اهمّیت آن را برای جوامع غربی نیز که جنبش‌های آزادی زنان، سالهاست در آن فعالیت دارد، نشان داده‌اند (Fürst ۱۹۹۷) و بسیاری زنان، به ایدئولوژی فمینیسم خانگی و ارزش نهادن بر دنیای خانگی زنان که جامعه غربی، مدت‌ها آن را فاقد ارزش یا کم‌ارزش شمرده است، روی آورده‌اند (McBride ۱۹۹۶). به عنوان مثال آشپزخانه زنانه رایج‌ترین تعبیر از فضای آشپزخانه است (Freeman ۲۰۰۴ فصل ششم) که نه تنها در دوران پیش از صنعتی، بلکه تا امروز نیز، وجود دارد و حتی برخی رویکردهای فمینیستی نیز در قبال آن، از مواضع انتقادآمیز به مواضع مدافعه‌ای روی آورده‌اند (مثلاً جین دارک، که خواهان تعبیر جدیدی از کارهای خانه‌داری

زنان است - نگاه کنید به Darke ۱۹۹۴).

۲. پرسش و روش پژوهش

این تحقیق، دو هدف پژوهشی اصلی را دنبال می‌کند؛ نخست آنکه بتواند موضوع «تولید خانگی» (و نه تولیدات صنعتی در خانه) را در بستر تاریخی و فرهنگی خود، بازشناسی کند؛ با توجه به ضعف ادبیات این حوزه در ایران، بررسی تفسیری - تاریخی این بحث، بخش زیادی از مقاله را به خود اختصاص داده است؛ مدلسازی و دسته‌بندی رویکردها در طی تاریخ، موضوع اصلی بخش مزبور است؛ دومین پرسش اساسی مقاله (پس از تبیین موضع نخست) آن است که وضعیت تولیدات اختصاصی خانه در دوران معاصر ایران چگونه است. با توجه به گستردگی جامعه پژوهشی که بتواند از عهده تبیین این موضوع برآید، این مقاله تنها به پیمایش یک نمونه موردی بسنده کرده است که بتواند یک زاویه از موضوع را روشن تر کند؛ بررسی این نمونه موردی به صورت پیمایشی با پرسشنامه باز و بسته بوده است که سوالات و شرایط آن در جای خود توضیح داده شده است.

۳. خانه و موضوع تولید در اسلام و جامعه سنتی مسلمانان

نگاه به خانه به عنوان یک واحد نیمه مولد اقتصادی، در روایات متعددی از معصومین (علیهم السلام) دیده می‌شود. این امر حتی جدا از کار خانگی زنان مورد توجه بوده است؛ در روایتی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) آمده است: «پیغمبر صلی الله علیه و آله...بعمه‌اش فرمود: چه بازت دارد از اینکه برکت برای خانهات بگیری؟ گفت: یا رسول الله برکت چیست؟ فرمود: گوسفند دوشینه که هر کس در خانه او گوسفند شیر ده یا میش یا ماده گاو است همه برکتند... امام ششم علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله به ام ایمن وارد شد و فرمود: چرا من در خانهات برکت نیستم؟ گفت: مگر خانها م برکت ندارد؟ فرمود: مقصودم این نیست، مقصود اینست که گوسفندی داشته باشی تا فرزندان از شیر آن برخوردار باشند و از روغنش بخوری» (مجلسی ۱۳۵۱، ۸۸، بنقل از المحاسن برقی) در این روایت و موارد مشابه، نگهداری گوسفند، بواسطه بازدهی فراوان و نقشی که در جلوگیری از تولید ضایعات در خانه دارد (در کنار آثار روانی



توجه است؛ مثلاً وقتی آشپزخانه انتهای حیاط یا زیرزمین به معنای مردسالاری و خدمتکار بودن زن سنتی، تعبیر می‌شود، یکی از همین تطبیق‌های خارج از زمینه صورت گرفته است و پیش‌فرض آن، رابطه‌ای است که آشپزخانه غربی با زندگی آنان داشته است که ضمن اینکه ارضای تنوع‌طلبی غربی در خوراک روزانه، معضلات خود را داشته است، محلی بوده است که زن، ساعات زیادی را در آن می‌گذرانده و کارهای زیادی را برای رتق و فتق امور خانه، انجام می‌داده است (مثلاً نگاه کنید به سفرنامه کولیور رایس، ۱۳۶۶ که در فصل ۱۷ مقایسه‌ای را میان زن خانه‌دار پرمشغله انگلیسی و زن ایرانی در اوایل قرن ۲۰، انجام داده است)؛ همچنین است تحلیلی که ممکن است فضای گرفته و نه‌چندان مساعد مطبخ‌های قدیم (همان فصل ۱۴) را نشانه‌دو پایه دانستن زنان بدانند؛ در حالی که اصولاً زن ایرانی، کمتر در آن محیط، اقامت داشته و بیشتر وقت وی در حیاط یا اندرونی خانه می‌گذشته است. بسیاری از کارها در حیاط، کنار حوض و ایوان صورت می‌گرفته است و حتی در خانه‌های بزرگتر، فضایی سقف‌دار و با نورگیری سقفی، به عنوان «حوضخانه» (جبل عاملی ۱۳۷۴) یا «شربت‌خانه» (کولیور رایس ۱۳۶۶، ۱۳۳)، محل انجام کارهایی مانند ظرفشویی یا درست کردن قلیان و آماده کردن سماور بوده که کیفیت فضایی مناسبی داشته است. حیاط نیز در نقاط مختلف عالم اسلام، یک عرصه کار جمعی خانوادگی (بویژه در خانواده‌های گسترده) است (Inceruh and Nalbantoglu ۲۰۰۹) این امر تا دوران معاصر نیز در ایران ادامه داشته است.

در مورد فضای اصلی تولید خانگی، یعنی آشپزخانه، موقعیت فضایی آن (جای دخمه‌ای در گوشه‌های پلان - جبل عاملی، ۱۳۷۴)، در درجه نخست یک موضوع عملکردی و یک پاسخ اقتصادی متناسب با سبک زندگی آن روز است؛ به این معنا که با توجه به کمبود و ارزشمندی سوخت بویژه در زندگی شهری آن روزگار (شهری ۱۳۷۱، ۱-۳۰۰)، آشپزخانه در جایی قرار داده می‌شود که اطراف آن، بسته باشد و به فضای باز متصل نباشد و نیز گرمای حاصل از پخت و پز آن در فصل سرد بتواند، به صورت بازیافتی برای گرم کردن فضاهای دیگر نیز بکار رود؛ به این ترتیب، کاربرد کمتر آشپزخانه در

و تربیتی آن)، از توصیه‌های مؤکد است. در نقاط روستایی و بسیاری مناطق شهری حوزه خاورمیانه، حضور دام در خانه، یک امر عادی و حتی لازم بوده است. این امر گاه با ایجاد یک حیاط جداگانه در کنار خانه برای نگهداری دام، محقق می‌شده و گاه زندگی انسان و دام در دوطبقه مجزا تنظیم می‌شده است (Inceruh and Nalbantoglu ۲۰۰۹؛ Lee Urneh ۱۹۸۱). می‌توان توجه کرد که وجود این نوع حیوانات در خانه حتی در زمان حاضر چه پتانسیلی را برای مقاومت جامعه در مقابل وضعیت‌های اقتصادی پیش‌بینی نشده در جامعه ایجاد می‌کند و هر خانه دارای ذخیره‌ای بالقوه و نیز درآمدی حداقلی از این موضوع خواهد بود، در عین اینکه این نوع از دام دارای حداقل آلودگی در محیط (حتی نسبت به حیوانات خانگی رایج در زندگی شهرتشیبی امروز) است.

در اسلام کار بیرون از خانه زن، منوط به اجازه مرد و اصلتاً نکوهیده است. جدایی خانه و محل کار مرد، در ساختار شهرهای اسلامی، یک ویژگی عمومی است؛ در این شهرها، بازار و مزارع، دو حوزه تفکیک شده از بافت محلات مسکونی هستند. بنیاد کشاورزی اغلب این شهرها، در کنار رسم عرب‌ها در تجارت که با خود به شهرهای فتح شده بردند، منشأ اصلی این ویژگی است. در عین حال کار زن در خانه (حتی امور روزمره) در شرع اسلامی، الزامی نیست و قرار دادن نفقه و اجرت‌المثل برای کار زنان در خانه نشان از مولد دانسته شدن این نوع کار در دید اسلام دارد و برای این خدمات ارزش اقتصادی فوق‌العاده قایل شده است. تعلق کامل عرصه خانگی به زنان در عالم اسلام در اکثر اوقات شبانه‌روز، موضوعی است که باید به آن توجه ویژه شود. چرا که تأکید بر کار خانگی زنان نمی‌تواند در متن فمینیستی آن خوانده شود. در این جا کار زنان در عرصه‌ای متعلق به خود آنان و با مدیریت خودشان انجام می‌شود، نه در عرصه مردان و تحت نظارت آنان؛ نمونه اصلی در این بحث، موضوع آشپزخانه است. مزیت تولیدی آشپزخانه به عنوان محلی که مواد خام در آن به غذای قابل خوردن تبدیل می‌شود، بویژه اگر با هزینه غذای بیرون سنجیده شود، کاملاً قابل توجه است.

تعبیر رایج از «مطبخ» سنتی در این چارچوب کاملاً قابل





تجاری قرون وسطی، در اولین تلاش‌های جدی شهرسازانه دوران روشنگری - پاریس هوسمان - به عنوان الگوی مطلوب، همچنان اعتبار خود را حفظ کرد (گیدینن ۱۳۵۰) و منجر به پدیدار شدن خیابان تجاری شد که بعدها از غرب به شرق آورده شد. در قرن بیستم منطقه‌گرایی مدرن، به شهر خوابگاهی، رسمیت بخشید و در تئوری‌های «آنوین» و «تایگه» به عنوان یک مدل ایده‌آل از آن یاد شد. تولید از مسکن جدا شد. در نمونه‌هایی کیفیت‌های محله‌ای بهبود یافت و در نمونه‌ای مانند برازیلیا، هر بخش از شهر، در ساعاتی از روز به شهر ارواح تبدیل شد. از اولین نمونه‌های این مجتمع‌های مسکونی خالص، طرح‌های فرانکفورت جدید (۱۹۱۸ به بعد؛ Heynen ۱۹۹۹) بود که در آن حتی با کار خانگی که آشپزخانه، نماد آن بود، مخالفت شد. تقابل با مذهب در این تحول کاملاً مؤثر بود. در این زمینه، سه نگرش اصلی نسبت به موضوع تولید و خانه، در دوره مدرن، قابل پیگیری است:

۱.۴. رویکرد اول: بهسازی کار در خانه

تحول خواهان اجتماعی قرن نوزده و اوایل قرن بیستم در آمریکا با هدف مدرن‌سازی فرهنگ سکونت طبقه کارگر، به جنبه‌های مهندسی در معماری روی آوردند که در نتیجه آن فضای خانه‌ها ساده شد (Hollens ۲۰۰۸، ۲۴). «مدیریت علمی» آشپزخانه، با ایده‌هایی مشابه «تایلریزم»^۲ در مورد بهینه‌سازی تحرکات فیزیکی کارگران کارخانه‌ها، جسم زن خانه‌دار را به صورت نیرویی با ظرفیت تمام نشدنی برای کار می‌دید که تنها دشمن او، خستگی است. در این دیدگاه کار زن پشت میز آشپزخانه، همانند آجرچینی یک کارگر تصور می‌شد که با بهسازی و استانداردسازی آن - مثلاً با استفاده از غذاهای آماده یا نیم آماده - میزان انرژی قابل توجهی کاهش می‌یابد (Diller ۲۰۰۰، ۳۸۶). این نگاه در آمریکا با انتشار کتاب «خانه زن آمریکایی: درباره علم امور خانگی»^۳، نوشته کاترین بیچر^۴ در ۱۸۶۹، رسماً ظهور یافت؛ وی به عنوان یک مسیحی معتقد، کار خانه را وظیفه زنان می‌دانست؛ در عین حال - چنانکه در مقدمه کتاب نیز متذکر می‌شود - معتقد بود که مشکل عمده زنان این است که مانند

تابستان (بدلیل رواج مصرف غذاهای حاضری)، آشپزخانه را به وجه زمستان‌نشین (شمال و شمال‌غربی)، انتقال می‌داده و تهویه آن نیز تنها از روزن سقفی (هورنو) صورت می‌گرفته (پیرنیا ۱۳۸۷، ۵-۱۳۴) که بلحاظ خروج دوده‌های مزاحم، بهترین حالت است. می‌توان دید که این شکل آشپزخانه، به هیچ‌وجه آنچنان که برخی تحلیل کرده‌اند (نگاه کنید به نقل ابتدای نوشتار از حائری ۱۳۸۸)، نه تنها بلحاظ مفهوم اجتماعی - فرهنگی بلکه حتی بلحاظ عملکردی، یک روش کوتاه‌بینانه نیست. شیوه کار نشسته در آشپزخانه و استفاده باز یافتی از گرمای آن می‌تواند کاملاً مبنای علمی داشته باشد (فتحی ۱۳۸۲، ۲-۱۶۰).

برغم عدم اجبار در کار خانگی زنان در اسلام، برخی نمونه امور تولیدی در خانه (بجز کار خانگی)، نیز برای زنان توصیه شده است که ریسندگی و بافتن، اهم آنهاست: حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «چرخ نخریسی برای زن مؤمن در خانه‌اش چه سرگرمی خوبیست» (پاینده ۱۳۶۳، ۵۶۷) و نیز امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «چرخ ریسندگی در دست زن چون نیزه است در دست جنگجوی در راه خدا. و فرمود: زنان را بر ریسندگی وادارید، که این شغل برای آنها خیر و زینت است» (طبرسی ۱۳۶۵، ۴۵۶). این نوع از تولید در ضمن مزیت اقتصادی فوق‌العاده، تناسب خاصی با نگاه اسلام به نوع حضور زن در خانه و اجتماع دارد و در ضمن نیاز به دقت و ظرافت و عدم نیاز به حضور او در جمع مردانه، خانه را از حضور زن محروم نمی‌سازد و نیز مزیتی اقتصادی برای خانه و خانواده فراهم می‌کند. ریسندگی و بافندگی، از سنت‌های زنان خانه‌دار ایرانی است. بافت فرش و زیراندازهای دیگر، بواسطه فضای نسبتاً قابل توجهی که اشغال می‌کند، می‌توانسته در فضای کالبدی خانه‌ها، تأثیرگذار باشد؛ مثلاً در چارصقه‌های زواره، یکی از چهارصقه، مخصوص بافت فرش بوده است.

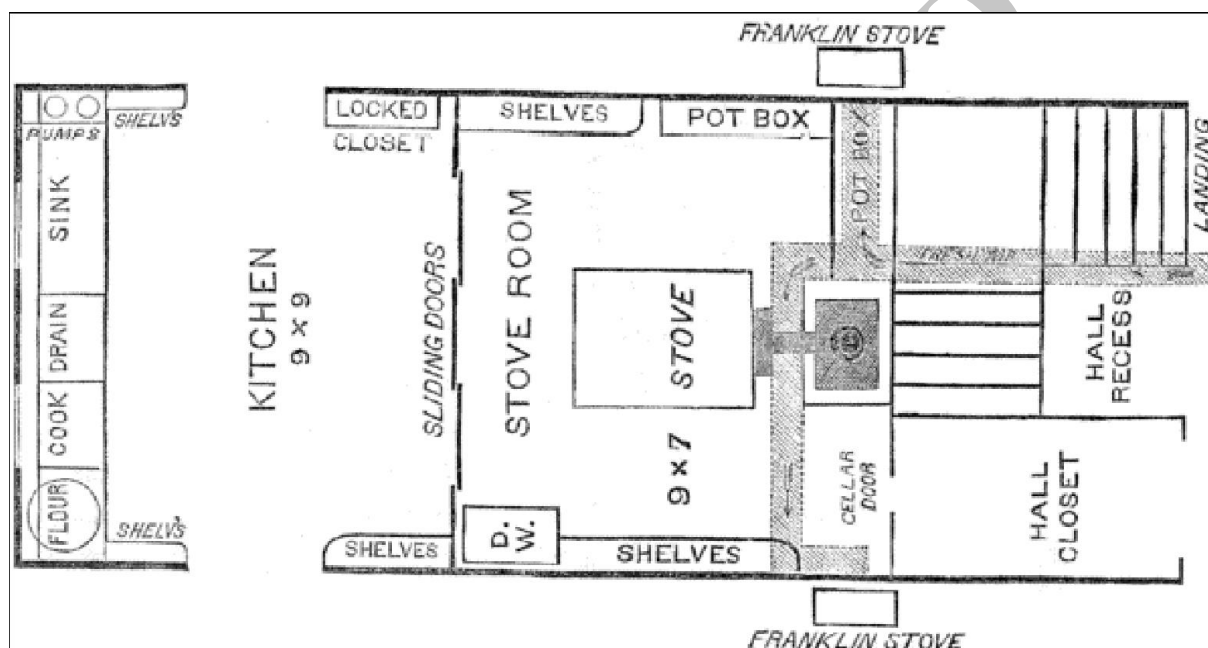
۴. تغییرات رابطه خانه و کار در تحولات مدرن معماری

اختلاط مسکونی و تجاری در شهر قرون وسطای غربی - برخلاف همتای خاورمیانه‌ای آن - یک امر عادی است. منشأ تجاری و دفاعی این شهرها و اقتصاد بورژوازی، این ماهیت متفاوت را موجب شده است. الگوی تداخل مسکونی و



سیستمی بیچر به آشپزخانه، مبتنی برانتظام تخصص گرایانه بوده و نه صرفه جویی در تحرک فیزیکی (Freeman ۲۰۰۴, ۲۸) وجهی که مدرنیست ها بیشتر بر آن متمرکز بودند؛ خدماتی شدن آشپزخانه و جدا شدن آن از زندگی خانوادگی (عکس حالت تلفیقی، که از شاخصه های زندگی پیش صنعتی اروپاست)، ویژگی مدرنیستی زودهنگام دیگری است که در طرح او پدیدار شده است.

مردان برای وظیفه ای که دارند، آموزش نمی بینند. تأکید وی در این کتاب، بر «بازدهی» یا «کارایی» است که بر طراحی آشپزخانه ها تأثیر بسزایی داشت (Freeman ۲۰۰۴, ۲۷-۸). از آرزوهای وی برای آینده، سیستم آب گرم و سرد و تجهیزات مناسب برای کار آشپزخانه بود. وی آشپزخانه کشتی را به عنوان مدلی برای کارایی آشپزخانه معرفی کرد که در آن اسباب و لوازم لازم برای پخت غذای ۲۰۰ نفر وجود داشت و چنان سازماندهی می شد که مراحل کار به حداقل برسد (Snodgrass ۲۰۰۴, ۸۵ - تصویر ۱). گفته می شود که دید



شکل ۱: طرحی از آشپزخانه دو مرحله ای که در کتاب «بیچر» ارایه شده است

Source: Snodgrass ۸۵, ۲۰۰۴

آشپزخانه اشتراکی یا مهدکودک) و در مقابل، با قبول نقش و قلمرو زن در آشپزخانه، آن را به عنوان فضایی شخصی و در عین حال واحدی اقتصادی که باید تولید در آن بهینه شود، مطرح می کند (Adams and Smith ۲۰۰۱, ۲۹).
تداوم این نگاه بهسازی فیزیکی آشپزخانه در مقالات «کریستین مک گافی فردریک^۲» تحت عنوان «خانه داری جدید» در «مجله خانه بانوان^۳» دیده می شود که در ۱۹۱۲ انتشار یافت و اوج آن در کتابی است که وی با عنوان «مهندسی خانه داری: مدیریت علمی در خانه» در ۱۹۱۹

«لوسی سالمون^۴» که از پیشگامان تاریخ نگاری نوین است، از این دسته است که طی سال های ۱۸۹۷ به بعد، بی آنکه تجربه ای از امور خانه داری داشته باشد، نوشته هایی را در مورد خانه داری و فضاهای خانگی از جمله آشپزخانه (Salmon ۲۰۰۱)، منتشر کرد. وی به عنوان یک رفرمیست، خواهان مدرنیزاسیون در زندگی زنان بود، اما بواسطه استقلال طلبی فردی که ناشی از سبک زندگی وی است، ایده های اشتراکی مطرح شده از سوی رفرمیست هایی چون «الن سوالو ریچاردز^۵» را رد می کند (ایده هایی مانند



در حدّ اقلّ ممکن باشد و این، هم از بُعد زمانی و هم مکانی، مورد نظر است. به این ترتیب اینان در جستجوی اموری از زندگی هستند که - به زعم آنان - قابلیت حذف از خانه را دارد و «آشپزخانه» بهترین گزینه‌ای است که برای این منظور خود یافتند. در این راستا در میان مدرنیست‌ها، دو رویکرد به طراحی آشپزخانه، بیش از همه این دیدگاه را دنبال کرده است، یکی آشپزخانه‌های اشتراکی و دیگری آشپزخانه‌های حدّ اقلّ.

تقلیل آشپزخانه، در فرهنگ غربی که از آن، به قلب خانه، تعبیر می‌شود، یک تحوّل فرهنگی اجتماعی بود که مدرنیست‌ها با هدف خاصی آن را ترویج کردند. این دیدگاه را به خوبی می‌توان در آشپزخانه مشهور فرانکفورتی - طراحی گرتّه لیوتسکی^{۱۰} برای طرح‌های مسکونی فرانکفورت جدید - تصویر ۲ - ملاحظه کرد. این آشپزخانه که بصورت کاملاً صنعتی - و به بیان خود طراح - با الگوگیری از نمونه‌های آشپزخانه در قطار و کشتی، طراحی شد و بصورتی بود که بطور کامل در کارخانه سرهم‌بندی و با جرثقیل در محل نصب می‌شد، نمونه‌ای واقعی از ماشین زندگی مدرنیست‌ها شمرده شده است. با این وجود، وی بلحاظ دیدگاه کلی، یک سوسیالیست است: «کار من مبتنی بر ایده زنانی بود که کار می‌کردند، نه اینکه فقط در پخت و پز مشغول باشند... امروزه این امر فمینیستی دیده می‌شود ولی موضوع، به هیچ وجه فمینیستی نبود» (لیوتسکی، نقل شده در Henderson ۲۰۰۷).

در مورد اهداف سوسیالیستی (و عمدتاً مارکسیستی) نهفته در تصمیم‌سازی‌های مهم مدرنیستی در مورد الگوی مسکن، شاید، هیچ نوشتاری به صراحت کتاب «مسکن حدّ اقلّ» نوشته کارل تایگه در همان دوران، سخن نگفته باشد. وی این کتاب را در سال ۱۹۳۲ انتشار داد و در آن با تأکید بر اینکه «تنها ماتریالیسم تاریخی می‌تواند به عنوان جامعه‌شناسی درست، مطرح باشد» (Teige ۲۰۰۲، ۱۰) با استناد به آراء مارکس و انگلس به تبیین الگوی ایده‌آل مسکن می‌پردازد. مهم‌ترین مانع در راه تحقق جامعه آرمانی وی، ساختار سنتی خانواده و سلسله مراتب میان زن و مرد و والدین و بچه‌ها است و معتقد است

انتشار داد؛ (Snodgrass ۲۰۰۴، ۲۹-۳۱)؛ وی بعکس بیچر، بر صرفه‌جویی تحرک فردی که در آشپزخانه کار می‌کند، تأکید دارد و این نگاه که با ترجمه نوشتارهای وی - مثلاً در آلمان - به فراتر از مرزهای آمریکا، منتقل شد، چنانکه بسیاری معتقدند (Snodgrass ۲۰۰۷، Henderson، ibid) و نیز Snodgrass ۲۰۰۴ ذیل مدخلی به نام وی) بنیادهای اجرایی آشپزخانه حدّ اقلی مدرنیسم اروپایی و بالاخص طرح‌های ارنو مایر^{۱۱} و آشپزخانه فرانکفورتی را فراهم کرد. مدرنیست‌ها آشپزخانه را به عنوان «دفترکار» زن در خانه و معادل یک فضای کارخانه‌ای تصویر می‌کردند (Henderson ۲۰۰۷)؛ با این وجود، مسأله بویژه در اروپا و آلمان که مرکز جنبش مدرن در دهه ۱۹۲۰ بود، بلحاظ پایه‌های فلسفی - اجتماعی، کاملاً متفاوت بود که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

۲.۴. رویکرد دوم: جدایی کار از خانه

نیمه اول قرن نوزدهم دوران ظهور اتوپیا‌های سوسیالیستی در اروپاست که عمدتاً ریشه در مذهب‌زدایی پس از فروپاشی حکومت‌های کلیسایی در قرن ۱۸ دارد و عمدتاً با ارایه اشکال جدید زندگی آرمان‌خواهانه یا لذت‌جویانه و وعده ساخت جامعه‌ای نوین، افرادی را به خود جذب کردند، اما مجموعاً بسرعت از میان رفتند. حمله به ساختار برخاسته از مذهب خانواده و ارایه الگوهای زندگی اشتراکی، وجه مشترک بسیاری از این جوامع خودخوانده بود. این دید مکانیکی یا لذت‌جویانه در نفی خانواده، که در نوشته‌های مارکس، کاملاً تئوریزه شد، در پس زمینه مدرنیسم، همواره حضور خود را حفظ کرد. به عنوان مثال «فالانستر» شارل فوریه (۱۸۳۷-۱۷۷۲) از مشهورترین اتوپیا‌های سوسیالیستی ارایه شده در قرن نوزدهم است: «فوریه همواره به دنبال جامعه‌ای اشتراکی برای ۱۶۰۰ نفر (۴۰۰ خانوار) بود. او می‌گفت: چرا ۴۰۰ تا آشپزخانه، ۴۰۰ انباری، ۴۰۰ رختشویخانه داشته باشیم وقتی که یکی کافیت و چرا باید ۴۰۰ خانه یا ساختمان داشته باشیم، وقتی می‌توانیم یک خانه را برای ۴۰۰ خانوار بسازیم» (پاکزاد ۱۳۸۶، ۶۲).

در گرایش‌های سوسیالیستی به مسکن، تلاش آن است که زندگی خصوصی به نفع توسعه زندگی اجتماعی (اشتراکی)





عشایر)، همه عملکردها (اعم از پختن، خوردن، خوابیدن و ...) در «یک» اتاق رخ می‌دهد و تفکیک فضاها که مرادف با طبقاتی شدن جامعه - به زعم وی - است، زائیده مالکیت خصوصی است که در مسکن بورژوازی، به اوج خود رسیده است (گزینه پیشنهادی وی به عنوان مسکن تک فضایی خوابگاهی در تصویر ۳ آمده است).



شکل ۲: آشپزخانه فرانکفورتی طراحی گرت لیبوتسکی، ۱۹۲۷.

Source: Lane ۲۰۰۷

۳،۴. رویکرد سوم: خانه‌هایی برای کار اجتماعی مدرنیسم در نگاه اقتصادی خود به محیط کار چه در وجه سوسیالیستی و چه سرمایه‌داری آن به عناوین مختلف به خانگی ساختن محیط کار رسیده است. اگرچه این موضوع از حوزه بحث نوشتار خارج است، تنها به چند نمونه برای تکمیل بحث اشاره می‌گردد؛ کمون‌های کاری سوسیالیستی که خانه‌سازی‌های اشتراکی برای کار را در ضمن خود دارد در نقاط مختلف دنیا (چین، روسیه و اسرائیل)، شکل گرفت (مثلا در Lu ۲۰۰۶ یا پاپلی یزدی و ابراهیمی (۱۳۸۱)). اینها به واقع خانه‌هایی است برای کار که ادامه سنت دوران باستان را در شهرک‌سازی مستعمراتی رومی و یونانی و مصری (لینچ ۱۳۸۰) بیاد می‌آورد. نکته جالب این است که جامعه غرب که متأثر از اندیشه مدرنیته تغییر در بنیاد خانه

که زمان وی، دوران گذار میان این دو حالت است که پیشنهاد مدرنیست‌ها در مورد مسکن حداقل، دورانی جنینی را برای نابودی این الگوی خانواده و تولد خانواده ایده‌آل کمونیسم، فراهم می‌کند (فصل اول کتاب). وی کلید اصلی این تحول را حذف آشپزخانه از خانه می‌داند (فصل ۱۳) چرا که در کمون اولیه (با مدلی مشابه ایگلو اسکیموها و چادر

Collectivist reconstruction of dwelling

kitchen	dining	salon = club
house-keeping	bathing	children's space
services	physical culture	individual living cell

centralized and collectivized

Schema of a collective dwelling:

the centralization and collectivization of the economic, cultural, and social factors of the dwelling process;

the reduction of the "apartment" to an individual living cell. One room for each adult person,

whose content (function) is a living room and a bedroom;

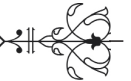
the reproduction of a single space undifferentiated dwelling on a higher level; material and organizational basis for socialist forms of life.

شکل ۳: بازسازی مفهوم اجتماعی مسکن با استفاده از مفهوم «واحد زندگی»

Source: Teige ۲۰۰۲

مجموعه‌ای که بعنوان محصول کنگره سیام در فرانکفورت تحت عنوان «مسکن برای حداقل زندگی» منتشر شد، طرح‌هایی از مسکن را که برای زندگی اشتراکی برنامه‌ریزی شده‌اند، در برداشت که آشپزخانه اشتراکی - چنانکه در مورد پیشنهاد فوریه نیز آمد - از نخستین مسایل مورد توجه این دسته است (ibid ۱۰۲-۴). اگرچه مارکسیسم امروز در آن شکل رادیکال اوایل قرن بیستم فعال نیست، اما اندیشه‌های ترویج شده از سوی آن در الگوهای پیشنهادی جدید برای مسکن، همچنان دیده می‌شود و شکل جدید از مسکن اشتراکی موسوم به «کوه‌اوسینگ»^{۱۱} از آن جمله است (Miles ۲۰۰۸, ۲۰۹) که یک مدل تعدیل شده از همان زندگی اشتراکی اتوپیایی قرن نوزدهم است.





تحقیق «الرافعی» (El-Rafey ۱۹۹۲) در مورد آپارتمان نشینی در مصر نشان می‌دهد که زنان مصری، فضای خانه را به عنوان محیطی مولد می‌نگرند و تبدیل بخشی از نشیمن آپارتمان به فضای تولید دستی (خیاطی، صنایع دستی یا ...) امری عادی است؛ یا مثلاً کار خانگی، همچنان یک منبع حیاتی درآمد برای اقشار پایین دست بنگلادشی است و حتی در خانه‌های تک اتاقی ۱۰-۱۲ مترمربعی، بخشی از اطاق برای کارهای دستی، ساماندهی شده است (Mahmud, ۲۰۰۳). این موضوع در مورد جامعه معاصر ایران نیز تا حد زیادی صادق است و کارهای خانگی، بصورت سامان‌نیافته و برای کسب درآمد به انحاء مختلف انجام می‌شود و توصیه‌های اقتصادی معاصر نیز ضرورت پرداختن به آن را بیشتر می‌کند.

۶. بررسی نمونه: تولید در خانه در میان زنان مذهبی

معاصر در شهر قم

شناخت جایگاه تولید در خانه معاصر، می‌تواند موضوع تحقیق مستقلی برای بحث فرهنگ و مسکن امروز ایران باشد. در اینجا، برای بررسی وضعیت تولید در خانه در قشر مذهبی معاصر، ۳۵ خانواده در شهر مذهبی قم بر اساس شناخت نسبی از خانواده‌ها (براساس مذهبی بودن) انتخاب شد. معیار اصلی در انتخاب گرایش فرهنگی خانواده و در دسترس بودن افراد برای پاسخ گویی بوده است؛ بویژه بخاطر هدف پرسش‌نامه که جمع‌آوری دیدگاه‌های زنان اداره کننده خانواده بوده است، این گزینش هدایت شده، بهتر از نمونه گیری تصادفی می‌توانست ما را به هدف نزدیک کند.

از نظر موقعیت مکانی سعی شده تا نمونه‌ها در نقاط مختلف شهر پراکنده باشند و از یک مکان نباشند. مشخصات کلی پاسخ دهندگان در جدول یک آمده است:

جدول ۱. مشخصات پاسخ‌دهندگان پرسشنامه

نوع مسکن			میانگین تعداد افراد خانواده	سن پاسخ‌گو میانگین	وضعیت اشتغال پاسخ‌گو	
حیاط دار بدون امکان استفاده	حیاط دار با امکان استفاده	آپارتمانی			شاغل	خانه دار
۴	۱۹	۱۱	۴/۴	۳۶	۱۲	۲۳

را به نفع شکل اجتماعی جدید خواستار شده بود، در نهایت برای حفظ ساختار اقتصادی جدید خود، بازگشت به نوعی جدید از حالت خانگی را - این بار در محیط کار و بدون خانواده - توصیه کرد. نخستین نمونه‌های بارز آن را در کارهای هرترزبرگر می‌توان دید و الکساندر نیز توصیه‌های مشابهی را برای محیط کار ارائه کرده است (Alexander ۱۹۷۷ & ۲۰۰۴).

۵. خانه و موضوع تولید در جامعه مدرن مسلمانان

در کلیت بافت و شکل زندگی، میراث مدرنیسم برای کشورهای غربی، جدایی مسکونی و تجاری بود، اما در شرق، خیابان تجاری با طبقات مسکونی، مدلی بود که از غرب وارد شد و به الگوی رایج معیار شهری منجر شد. تبدیل بخشی از خانه در جوار جدار مجاور خیابان به واحد تجاری، کمابیش در سراسر جهان اسلام در دوره معاصر دیده می‌شود، چیزی که در بافت سنتی شهرها، سابقه چندانی ندارد. همزمان با این تداخل و آمدن کار مردانه به جوار خانه‌ها، روند حذف کارخانگی و تولید از خانه، نیز شدت گرفت: در خانه‌های شخصی ساخته شده در دهه‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۶۰ در ایران، عمدتاً توسط معمارهای تجربی (حائری ۱۳۸۸)، بدلیل الزام قانونی حذف حیاط مرکزی، که با تغییرات ساختار اجتماعی جامعه نیز همراه بوده است، مرکزیت تولیدی خود را از دست دادند: نگهداری دام و پرورش سبزیجات در باغچه‌ها و فعالیت تولیدی خانگی در فضای باز تعدیل شده با الگوی حیاط مرکزی، از خانه‌ها رخت برپست و آشپزخانه که در گذشته تنها برای پخت و پز مورد استفاده بود، ظرفیت لازم را برای تمرکز تمام فعالیت‌های مولد خانگی نداشت. با این حال این به معنی حذف موضوع تولید - به طور کلی - و مفهوم تولیدی آشپزخانه (بطور خاص) از خانه‌های مسلمانان، نبوده است:



اهمیت بوده و به آن علاقه مند می‌باشند، همچنین انجام کارهای بیرون از خانه و بافتنی نسبت به دو فعالیت ذکر شده طرفداران کمتری دارند؛ بافت فرش و گلیم در حدود یک چهارم جامعه آماری را شامل می‌شود. اما در میان فعالیت‌های ارزیابی شده کمترین تعداد وقوع، از آن نگهداری حیوانات تولیدگر می‌باشد.

این نکته حائز اهمیت است که افراد خانه دار بیش از افراد شاغل تمایل به انجام موارد فوق را دارند، که با دقت در سن افراد فعال (فعالیت‌های تولیدی خانگی) پی می‌بریم که در دوره سنی ۲۵ تا ۴۰ سال افراد تمایل بیشتری به انجام فعالیت‌های ذکر شده از خود نشان می‌دهند. جالب توجه است که در خانه‌های حیاط دار نسبت به خانه آپارتمانی اقدام به انجام فعالیت بیشتر بوده و همچنین خان‌واده‌هایی که تعداد آن‌ها بین ۲ تا ۴ نفر می‌باشد، سهم بیشتری در انجام فعالیت‌ها دارند که در جدول ۲- میزان دقیق آن مشخص شده است. آزمون معناداری تفاوت بین دو گروه سنی بالای ۴۰ سال و پایین ۴۰ سال در مورد این فعالیت نیز مؤید بحث مزبور است (آماره t-test دوسره برابر با ۰,۰۴۷۳۴۶ است که کمتر از ۰,۰۵ است)؛ وجود تجربه پیشین از انجام بیشتر این فعالیت‌ها در دوره کودکی و خانه‌های محل رشد این افراد می‌تواند، علت این امر باشد؛ چرا که قریب به اتفاق آن خانه‌ها، حیاط‌دار و دارای فعالیت تولیدی قابل توجه بوده است (به بحث ابتدای نوشتار رجوع شود). اعداد درج شده در جدول سه، بیان‌گر معناداری تفاوت میان

پرسش‌نامه تهیه شده برای بررسی از نوع پرسش‌نامه مختلط با پرسش‌های نیمه باز و بسته بوده و موضوعات مورد بررسی در پرسش‌نامه، مواردی است که در مطالب پیشین در مقایسه مسکن اسلامی با وضعیت مدرن مطرح شد. به این ترتیب بجز ۵ فعالیت اصلی عمده که می‌توان تأییداتی از متون اسلامی برای انجام آنها در خانه یافت و در ابتدای نوشتار نیز مورد اشاره قرار گرفت (یعنی خیاطی، بافتنی، بافت فرش و گلیم، نگهداری حیوانات مولد در خانه، تولید محصولات تبدیلی)، یک موضوع نسبتاً معاصرتر یعنی انجام کارهای بیرون خانه در خانه، به عنوان فعالیت ششم اضافه شد و موضوع آشپزخانه نیز بطور مجزا مورد تأکید قرار گرفت.

۱,۶. تحلیل نتایج

در این پژوهش سعی بر یافتن تغییرات به وجود آمده در تولید خانگی و بررسی چگونگی رخ دادن فعالیت‌هایی بود که هنوز از آشپزخانه حذف نشده است. نتایج پیمایش مزبور در مورد تولیدات خانگی در خانه‌های شهر قم در موارد ذکر شده در بالا، شرح ذیل می‌باشد:

۱,۱,۶. وضعیت فعالیت‌های تولیدی خانگی

کلیات آماری انجام یا عدم انجام فعالیت‌های مورد بحث و تفکیک آن برحسب گونه‌های مختلف پاسخ‌دهندگان در جدول دو و سه دیده می‌شود. تولید محصولات تبدیلی (رب و ...) و خیاطی دو فعالیتی هستند که برای بالغ بر نیمی از افراد دارای

جدول ۲. وضعیت انجام فعالیت‌های تولیدی خانگی در نمونه‌های مورد بررسی

	تعداد افراد خانواده			گروه سنی			نوع مسکن			انفر	۴ تا ۲ نفر	۴ به بالا
	۴ به بالا	۴ تا ۲ نفر	۲ نفر	زیر ۲۵	۲۵ تا ۴۰	۴۰ به بالا	آپارتمانی	حیاط دار (بدون اجازه استفاده)	حیاط دار (استفاده)			
خیاطی	21%	53%	26%	0	63%	37%	11%	22%	67%	26%	53%	21%
بافتنی	23%	54%	23%	15%	29%	46%	0	46%	54%	23%	54%	23%
بافت فرش و گلیم	50%	38%	12%	0	37%	63%	0	12%	88%	12%	38%	50%
نگهداری حیوانات تولیدگر	25%	50%	25%	0	25%	75%	0	25%	75%	25%	50%	25%
تولید محصولات تبدیلی (خوراکی ترشی رب مربا)	35%	50%	15%	5%	45%	50%	5%	15%	80%	15%	50%	35%
انجام کارهای بیرون خانه در خانه	14%	64%	22%	7%	72%	21%	7%	36%	57%	22%	64%	14%
مجموع	27%	53%	20%	5%	53%	42%	5%	26%	69%	20%	53%	27%

در خانه، عدم وجود امکانات و نیز عدم اشتیاق، دو علت اصلی، بیان شده است. از بررسی جامعه آماری این برداشت می شود که فعالیت ها فقط تا حدودی برای زنان خانه دار اهمیت دارد. قابل توجه است که نوع مسکن بیشتر افرادی که فعالیتی انجام نمی دهند از نوع بدون حیاط (آپارتمانی و بدون اجازه استفاده از حیاط) بوده و تعداد افراد خانواده ها بین ۲ تا ۴ می باشد.

بعضی از خصوصیات مهم مانند نوع مسکن در دو فعالیت مهم خیاطی و تولید محصولات تبدیلی (ترشی، رب و مربا) می باشد که با مذاقه در آن می توان درک کرد که تفاوت بسیار فاحشی در مسکن حیاطدار و آپارتمانی برای فراهم کردن تسهیل شرایط فیزیکی و کالبدی در امر تولید وجود دارد. این در حالی است که به طور متوسط، در موارد عدم انجام یک فعل تولیدی

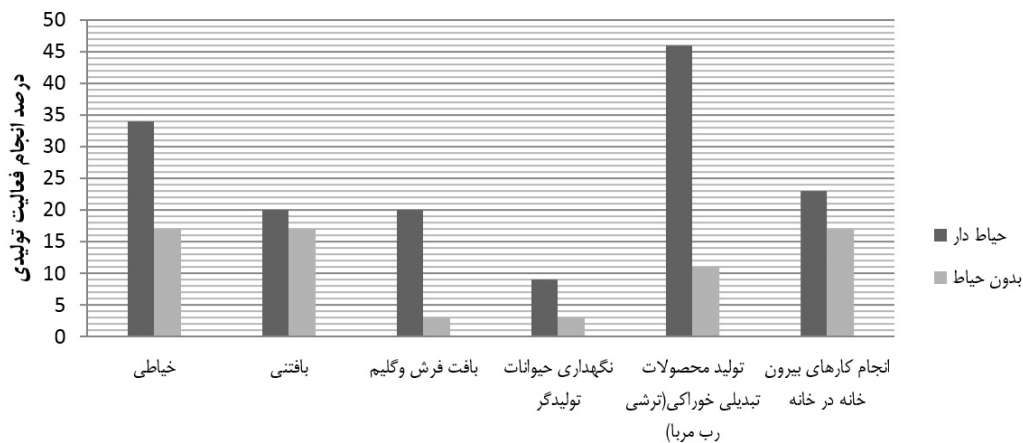
جدول ۳. وضعیت عدم انجام فعالیت های تولیدی خانگی در نمونه های مورد بررسی و علل ابراز شده از سوی پاسخ دهندگان

	دلیل عدم انجام							درصد اهمیت				تعداد افراد خانواده				
	نقص در امکانات	علاقه ندارم	خانواده مخالفند	مراجم دیگران است	نیاز نداریم	صرفه اقتصادی ندارد	چندان مهم نیست	ناحسی	زیاد	خیلی زیاد	آپارتمانی	۲ نفر	۳ نفر	۴ نفر	۳ به بالا	
خیاطی	0%	21%	41%	0%	21%	17%	0%	77%	18%	5%	56%	44%	19%	62%	19%	
بافتنی	0%	17%	22%	0%	0%	48%	13%	56%	28%	11%	5%	43%	57%	23%	59%	18%
بافت فرش و گلیم	14%	17%	40%	3%	3%	23%	0%	12%	50%	25%	13%	48%	52%	26%	63%	11%
نگهداری حیوانات تولیدگر	24%	9%	41%	6%	9%	9%	0%	56%	11%	0%	33%	47%	53%	23%	58%	19%
تولید محصولات تبدیلی خوراکی (ترشی رب مربا)	28%	17%	28%	0%	0%	22%	5%	17%	41%	21%	21%	79%	21%	33%	67%	0%
انجام کارهای بیرون خانه	0%	21%	17%	12%	0%	50%	0%	10%	10%	60%	20%	45%	55%	24%	52%	24%
مجموع	12%	16%	33%	4%	6%	27%	2%	23%	42%	21%	14%	51%	49%	24%	60%	16%

عام است (در مورد ایران نگاه کنید به ناری قمی، ۱۳۹۳) که این پژوهش نیز بر آن صحه می گذارد. انجام تست معناداری تفاوت (t-test دوسره) نشان می دهد که در مورد فعالیت های تبدیلی (درست کردن ترشی، رب و ...) تفاوت دو دسته مورد نظر از لحاظ آماری نیز معنادار است (برابر ۰,۰۰۰۳۱۹، که کمتر از ۰,۰۵ است)؛ این معناداری در مورد فعالیت خیاطی که دومین فعالیت تولیدی کثیرالوقوع است، وجود ندارد (آماره t-test دوسره ان، ۰,۱۸۹۹۴۵،

مجموع موارد فوق نشان می دهد که نوع الگوی مسکن در وقوع فعالیت های تولیدی، بویژه آنها که مستلزم فضای فعالیت وسیع است، تأثیر زیادی دارد؛ تفاوت مسکن حیاطدار و بدون حیاط، بصورت مجزا در نمودار زیر (شکل ۴) دیده می شود؛ در این نمودار، مسکن آپارتمانی و مسکن بدون امکان استفاده از حیاط، به عنوان مسکن بدون-حیاط فرض شده است؛ ارتباط فضای باز با موضوع تولید در خانه (چه به صورت حیاط و چه به صورت بالکن) موضوعی





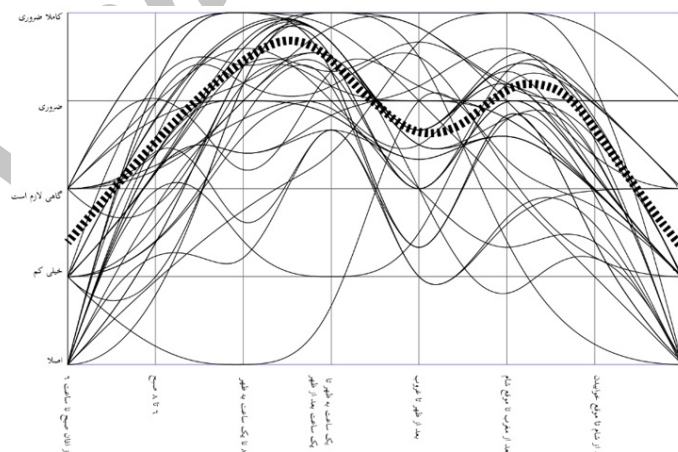
شکل ۴. مقایسه درصد انجام فعالیت‌های تولیدی بین خانه‌های حیاطدار و آپارتمانی

تأثیر فرهنگ کلی سکونت قرار دارد. یافته‌های حاصل از پژوهش (نمودار ۵) در مورد زمان حضور زنان در آشپزخانه (که از تبدیل گزینه‌های کیفی به اعداد رتبه‌ای و ترسیم نمودار حاصل شده است) گویای این مطلب است که حضور زنان در آشپزخانه در اوقاتی از روز دارای تراکم بیشتری نسبت به دیگر زمان‌ها می‌باشد. در بعضی قسمت‌ها از نمودار، لزوم حضور بسیار بالا نشان داده شده است، مثلاً در گزینه یک ساعت به ظهر و در گزینه بعد از مغرب تا هنگام شام دارای تراکم بیشتری نسبت به سایر اوقات است. علی‌رغم حضور پررنگ زنان در اوقات ذکر شده در مقاطعی از شبانه روز، مانند قبل از صبح و نیمه شب‌ها آشپزخانه‌ها بسیار خلوت هستند.

در قیاس با کم‌رنگ شدن برخی اشکال تولید در خانه مانند نگهداری حیوانات، فضاهای بسته خانه، نوعی دیگر از کار خانگی را نسبتاً رونق داده است و آن دور کاری یا انجام امور شغلی مدرن در خانه است که در نمودار ۵ رشد نسبی را نشان می‌دهد. مصادیق این موضوع، در پاسخ‌های افراد مورد پیمایش، موضوعاتی همچون: کار با کامپیوتر، بافتنی بصورت شغل درآمدزا و انجام کارهای مربوط به مدرسه (در مورد معلمان)، بوده است.

۲.۱.۶. وضعیت فعالیت آشپزخانه به عنوان مرکز تولیدی خانه

بحث زمان حضور در آشپزخانه، به عنوان مرکز تولیدی اصلی در خانه، یک عامل تعیین‌گر است که کاملاً تحت



شکل ۵. الگوی زمان حضور زنان در آشپزخانه در نمونه مورد بررسی

با توجه به اینکه پژوهش دیگر (ناری قمی، ۱۳۹۳) و مطالب ابتدای نوشتار حاکی از آن است که الگوی توزیعی سنتی

است؛ این امر می‌تواند کاملاً وابسته به شکل این فعالیت باشد که در یک مکان متمرکز داخل خانه انجام می‌شود.

زیادی را در آشپزخانه (مطبخ) نمی گذرانند و مابقی فعالیت های او در بخش های دیگر خانه منجمله حیاط، ایوان و... انجام می شده است و زنان در طول روز و در نبود مرد خانه بیشتر وقتشان را در کنار کودکان خویشان و همسایگان سپری می کردند. اما با بررسی های صورت گرفته در دو نمودار ۵ و ۶ این امر استنباط می شود که در خانه های معاصر، از لحاظ زمانی، اکثر فعالیت های تولیدی در آشپزخانه ها به وقوع می پیوندد (برخلاف دوران سنتی)، اما از لحاظ مکانی، همچنان الگوی توزیعی که پژوهش دیگر (ناری قمی، ۱۳۹۳) نیز بیان کرده است، تداوم دارد و برخلاف یافته پژوهش مزبور، تنها منحصر به افراد دارای تجربه زیاد کار خانگی نیست.

که حضور در این فضا را دارای یک نقطه اوج در روز نشان می داد، می توان تغییر محسوسی را در این موضوع دید که نشان از تغییر کلی سبک زندگی دارد و الگوی مزبور را به الگوی دو قله ای تبدیل کرده است.

در مورد الگوی توزیع مکانی فعالیت هایی که اصالتاً مرتبط با آشپزخانه تصور می شود، نیز نمودار ۶ حاکی از واقعیت دیگری است که نشانگر تداوم عینی الگوهای رفتاری گذشته در فضای مدرن شده آشپزخانه است.

با توجه به بررسی ابتدای نوشتار، چنین بنظر می رسد که آشپزخانه در طول تاریخ فقط برای تولید غذا استفاده می شده و زن ایرانی وقت



شکل ۶. نمایش تراکم فعالیت ها و لوازم مرتبط با فضای تولیدی آشپزخانه: موارد پرسیده شده در یک جدول، برای گویا شدن، به نمودار تصویری مسطح تبدیل شده است. هر یک از خانه های مشکی رنگ، نشان دهنده یک فعالیت تولیدی به ازای یک پاسخ دهنده و یا استقرار یک مورد از لوازم مرتبط به ازای یک پاسخ دهنده می باشد (هر خانه متعلق به یک پاسخ دهنده است).



۷. نتیجه‌گیری

بسیاری از تولید در خانه را حذف می‌کند و تعداد اندکی شکل جدید تولید را جانشین می‌سازد و چه در مورد قابل قبول بودن چنین تحوّل‌ی برای جامعه اسلامی که در آن خانه و تولید در خانه یک «غایت» زندگی اجتماعی است. براساس بررسی مقاله حاضر از میان سه الگوی مورد نظر مدرنیته در بحث تولید در خانه، الگوی «حذف کار خانگی»، بیش از همه، اثر خود را در سبک زندگی و پاسخ معماری به آن، گذاشته است. اما در مورد پرسش دوم ابتدای مقاله، بحث مهم حاصل از این مقاله آن است که پیمایش میدانی تحقیق حاضر نشان می‌دهد که همچنان در عمل و ذهنیت مردم مذهبی، می‌توان جاپای نسبتاً محکمی را برای احیای موضوع، یافت؛ به نحوی که در صورت طراحی مناسب و آموزش اجتماعی، امکان بازگشت به صورت ایده‌آلی خانه اسلامی از منظر کار و تولید، وجود دارد.

اسلام خانه را غایت اجتماع و نه مقدمه اجتماع می‌داند و به تولید در خانه به عنوان یکی از اجزای زندگی خانگی اهمیت زیادی داده است. این امر در زندگی سنتی مسلمانان تا چند دهه گذشته کاملاً بارز و در شکل خانه آنان تبلور زیادی داشته است: تعداد زیاد و مساحت بالای فضای تخصیص یافته و تطابق یافته با امر تولید، تأییدی بر این امر است. مدرنیاسیون در فرهنگ سکونت و مسکن - با دیدگاه‌های مختلفی که در غرب در مورد آن وجود داشت - در ورود خود به جامعه سنتی کشورهای اسلامی و ایران، قالب‌های کالبدی را کاملاً تحت تأثیر قرار داده است؛ اما این تأثیر در مورد محتوای درون این قالب - یعنی زندگی و سبک زندگی - مورد سؤال است؛ چه در مورد تحقق یا عدم تحقق کامل این سبک جدید زندگی که نهایتاً اشکال

پی‌نوشت‌ها

۱. در اسلام اصالت خانه نسبت به اجتماع، مستندات فراوانی دارد که تنها در مورد عبارت مقاله، بجز رضایت حضرت فاطمه (علیها السلام) از تقسیم کار رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بین ایشان و حضرت علی (علیه السلام) که کار خانه را به عهده ایشان و کار بیرون را به عهده شوهر قرار داد، اشاره به این وصیت حضرت علی (علیه السلام) به حضرت امام مجتبی (علیه السلام)، قابل طرح است که فرمود: «بیرون رفتن زنان بدتر از آن نیست که افراد غیر صالح را در میانشان آوری» (علی ابن ابیطالب [علیه السلام]، ۱۳۷۹، ۵۳۷). شرح علامه جعفری در این موضوع می‌تواند روشن‌گر باشد: «یا ما باید از اصالت و اساسی بودن خانواده در اجتماع دست برداریم و معتقد شویم که بشر باید غریزه جنسی خود را به هر نحو ممکن است اشباع کند!! و یا این حقیقت را بپذیریم که بایستی زنان با بیشتر اهمیت دادن به نظام خانوادگی، مسایل تولید و توزیع و دیگر تلاشهای اقتصادی و اجتماعی را در صورت اخلال رساندن به آشیانه حیاتبخش خانواده، به مردان واگذار کنند» (جعفری تبریزی، ۱۴۱۹، ۱۷۳).

2. Taylorism
3. The American Woman's Home, on Principles of Domestic Science
4. Catherine Beecher
5. Lucy Salmon
6. Ellen Swallow Richards
7. Christine McGaffey Frederick
8. Ladies Home Journal
9. Erna Meyer
10. Grete Lihotzky
11. Co- Housing

منابع

۱. امام علی بن ابیطالب (علیه السلام). ۱۳۷۹. نهج البلاغه. گردآوری: سید رضی [قرن ۴ هـ ق]. ترجمه و حواشی محمد دشتی. انتشارات ظهور.
۲. پاپلی یزدی، محمدحسین و ابراهیمی، محمدمامیر. ۱۳۸۱. نظریه‌های توسعه‌ی روستایی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

۳. پاکزاد، جهانشاه. ۱۳۸۶. سیر اندیشه ها در شهرسازی (۱): از آرمان تا واقعیت. تهران: شرکت عمران شهرهای جدید.
۴. پاینده، ابوالقاسم. ۱۳۶۳. نهج القصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله). چاپ: چهارم ۱۳۸۲. تهران: دنیای دانش.
۵. پیرنیا، محمد کریم. ۱۳۸۷. معماری ایرانی. تدوین: غلامحسین معماریان تهران: سروش دانش.
۶. جبل عاملی، عبدا... ۱۳۷۴. خانه های اصفهان در دوره معاصر: در مجموعه مقالات کنگره معماری و شهرسازی ایران. ج ۴. به کوشش: باقر آیت ... زاده شیرازی، صص ۹۹-۱۳۶. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
۷. جعفری تبریزی، محمد تقی. ۱۴۱۹. رسائل قهقی. تهران: مؤسسه منشورات کرامت.
۸. حائری، محمدرضا. ۱۳۸۸. خانه، فرهنگ، طبیعت. تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
۹. شهری، جعفر. ۱۳۷۱. طهران قدیم. ج ۴. چاپ دوم. تهران: انتشارات معین.
۱۰. طبرسی، حسن بن فضل. ۱۳۶۵. مکارم الأخلاق. ترجمه: ابراهیم میرباقری. چاپ دوم. تهران: فراهانی.
۱۱. فتال نیشابوری، محمد بن حسن. ۱۳۶۶. روضه الواعظین. ترجمه: مهدوی دامغانی. تهران: نشر نی.
۱۲. فتحی، حسن. ۱۳۸۲. ساختمان سازی با مردم. ترجمه: علی اشرفی. تهران: انتشارات دانشگاه هنر.
۱۳. کولیور رایس، کلارا. ۱۳۶۶. زنان ایرانی و راه و رسم زندگی آنان. ترجمه: اسدا... آزاد. مشهد: معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی.
۱۴. گیدین، زیگفرید. ۱۳۵۰. فضا، زمان و معماری: رشد یک سنت جدید. ترجمه: منوچهر مزینی. ج ۱. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۱۵. لینچ، کوین. ۱۳۸۱. تئوری شکل شهر. ترجمه: سید حسین بحرینی. ویرایش ۲. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
۱۶. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی. ۱۳۵۱. آسمان و جهان. ترجمه: کتاب السماء و العالم بحار الأنوار. جلد ۵۴. ترجمه: محمد باقر کمره ای. چاپ: اول. تهران: انتشارات اسلامی.
۱۷. مدنی پور، علی. ۱۳۸۷. فضاهای عمومی و خصوصی شهر. ترجمه: فرشاد نوریان. تهران: شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری.
۱۸. ناری قمی، مسعود. ۱۳۹۳. آسپزخانه مدرن و مفهوم اجتماعی - فرهنگی آن در زندگی خانوادگی قشر مذهبی ایران: نمونه موردی شهر قم. جامعه پژوهی فرهنگی. دوره ۵. (۳). پاییز ۱۳۹۳: ۱۷۱-۱۴۵.
۱۹. <http://www.encyclopaediaislamica.com/index.php> (بازدید ۱۳۹۰/۳/۲۰).

1. Adams N. and Smith, Bonnie G. (eds.). 2001. *History and the Texture of Modern Life: Selected Essays*. USA: University of Pennsylvania Press.
2. Alexander C, Ishikawa S, & Sliverstein M, 1977. *A Pattern language*, New York: oxford University press.
3. Cemal Inceruh and Oktan Nalbantoglu, 2009. Rediscovering the Principles of Eco-City as Spatial Attributes in Traditional Housing Settlement: The Case Of Urfa in Southeastern Anatolia. *Archnet-IJAR: International Journal of Architectural Research*. Volume 3 - Issue 3. November 2009.
4. Coliver Rice, C. 1987. *Iranian Women and their lifestyle*. A. Azad, Trans. Mash'had: Cultural assistance of Astan Ghods Razavi.
5. Darke, J. 1994. *Women and the meaning of home*. in *Housing Women*. Edited by: R. Gilroy and R. Woods. London: Routledge.
6. Diller, E. 2000. *Bad Press*. in *Gender space architecture: an interdisciplinary introduction*. edited by: J. Rendell, B. Penner & I. Borden. pp.33-44. London: Routledge.
7. El-Rafey, Moshira A. R. 1992. *Housing & Women: Reconstruction of Women's Point of View*. Michigan. a dissertation submitted for degree of Doctor of Architecture in The University of Michigan.
8. Fathi, H. 2003. *Architecture for the poor (A. Ashrafi, Trans.)* Tehran: University of Honar.
9. Fattal Neishaboori, M. 1987. *Paradise of spiritual advisors. (Mahdavi Damghani, Trans.)*. Tehran: Nashr Nei. (Original published 11-12 century A.D)
10. Freeman, J. 2004. *The Making of the Modern Kitchen: A Cultural History*. New York: Berg.
11. Fürst, Elisabeth L. 1997. *Cooking and Femininity*. *Women's Studies International Forum*. pp. 441-449. Vol 20. No. 3. 1997
12. Gideon, S. 1971. *Space, Time and Architecture: the Growth of a New Tradition*. (M. Mazaiieni Trans.). vol1. Tehran: Bongah Tarjome va Nashr-e Ketab.
13. Gropius, W. 2007. Program for the founding of a general housing-construction company. in *Housing and dwelling: perspectives on modern domestic architecture*. edited by: Barbara Miller Lane. London: Routledge.
14. Haeri, M. 2009. *Home, Culture, Nature*. Tehran: Center of Urban and Architectural Study and Research.
15. Henderson, Susan R. 2007. *A revolution in the woman's sphere: Grete Lihotzky and the Frankfurt Kitchen*. in *Housing and dwelling: perspectives on modern domestic architecture*. edited by: Barbara Miller Lane. London: Routledge.
16. Heynen H. 2005. *Modernity and domesticity: tensions and contradictions*. in *Negotiating domesticity: spatial productions of gender in modern architecture*. edited by: H. Heynen and G. Baydar. UK: Routledge.
17. Hollows, J. 2008. *Domestic Cultures*. Open University Press. England: McGraw-Hill Education.





18. Jabal Ameli, A. 1995. Contemporary Houses of Isfahan]. in B. Aiatollahzade Shirazi (Ed). *Proceeding of First Conference on History of Architecture and Urban Design of Iran*. February 26 - March 3. V.4. (pp.99-136). Tehran: National Organization of Cultural Heritage.
19. Lane, Barbara M. (ed.). 2007. *Housing and dwelling: perspectives on modern domestic architecture*. London: Routledge.
20. Lee Urneh. 1981. Rural Habitats and Habitation: Survey of Dwellings in the rural Islamic World. in *The Changing rural Hbitat*. Vol I. edited by: Brian B. Taylor. Concept Media. Singapore: The Aga Khan Award for Architecture.
21. Linch, K. 2002. *Theory of Good City Form*. (S.H. Bahreini trans.). 2nd ed. Tehran: University of Tehran Press.
22. Lu, Duanfang. 2006. *Remaking Chinese urban form: modernity, scarcity and space, 1949–2005*. New York: Routledge.
23. Madanipour, A. 2008. *Urban public and private spaces*. (F.arshad Noorian trans.). Tehran: Urban Process and Planning Co.
24. Mahmud, S. 2003. Women and the transformation of domestic spaces for income generation in Dhaka bustees. *Cities*. pp. 321–329. Vol. 20. No 5. Great Britain: 2003.
25. Majlesi, M. 1972. *The Sky and the World (a Translation of Al-Sama' va al-A'lam Behar-ol-Anvar vol.54)*. (M.B. Kamare-I Trans.). Tehran: Eslamieh.
26. Mazumdar S.and Mazumdar S. 1999. Women's Significant Spaces: Religion, Space and Community. *Journal of Environmental Psychology*. No19. pp.159-170. Academic Press: 1999.
27. McBride, K, B. 1996. A (Boarding) House Is Not a Home: Women's Work and Woman's Worth on the Margins of Domesticity. *Frontiers: A Journal of Women Studies*, pp. 90-112. Vol17. No1. University of Nebraska Press: 1996.
28. Miles, M. 2008. *Urban utopias: the built and social architectures of alternative Settlements*. London: Routledge.
29. Nari Ghomi, M. 2014. Socio-Cultural Meaning of Kitchen in Religious Context of Iran (Case Study: City of Qom). *Journal of Cultural Studies of Society*. Vol5. (3): 145-171.
30. Paiandeh, A. 1984. *Nahj-al-Fasaha (the Collection of the Holy Prophet's Verses)*. 4th print. Tehran: Doniaie Danesh.
31. Pakzad, J. 2007. *An Intellectual History of Urbanism(1): from Utopia to Reality*. Tehran: company of New Towns Development.
32. Papoli Yazdi, M. & Ebrahimi, M. 2002. *Theories of Rural Development*. Tehran: Samt.
33. Pirnia, M. K. 2008. *Iranian architecture*. Me'marian, Gh. (Ed.). Tehran: Soroosh Danesh.
34. Salmon. Lucy M. 2001. *Our Kitchen. in History and the Texture of Modern Life: Selected Essays*. edited by: Nicholas Adams and Bonnie G. Smith. pp.57-62. USA: University of Pennsylvania Press.
35. Shahri, J.1992. *The old Tehran*. (Vol.4, 2nd ed.). Tehran: Mo'in.
36. Snodgrass, Mary E. 2004. *Encyclopedia of kitchen history*. Taylor & Francis Books. New York: Inc.
37. Tabarsi, H. 1986. *Makarem-al-Akhlagh. (A. Mirbagheri Trans.)* 2nd print. Tehran: Farahani.
38. Teige, Karel. 2002. *The minimum dwelling [Originally published as Nejmens'í byt by Václav Petr, Prague, 1932]*, translated and introduced: Eric Dluhosch. Massachusetts: The MIT Press Cambridge.





Productive Behavior at Home (Case study: Productive Behavior in the city of Qom)

Masoud Nari Qomi *

PhD of architecture, Tehran University, Tehran, Iran. Assistant Professor of Architecture, University of Kashan.

Mohammad Masoud Amini **

Student of Architecture, Shahabdanesh University, Qom, Iran.

Mahdi Forotan ***

Student of Architecture, ShahidRajaii University, Kashan, Iran.

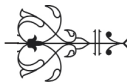
Received: 18/04/2016

Accepted: 02/06/2016

Abstract

Searching for the criteria of Islamic settlement in current situation of Iran is seen as an important issue in Iranian urban planning. One of them that is rarely taken into account by designers and housing planners is the Islamic house as a productive unit. The mission of this research is to find suitable kinds of production from Islamic point of view for conducting at home via searching Islamic basics and instructions. Then by referring to modernism as a key factor that has shaped the social context of contemporary Islamic world, situation of domestic production in it is reviewed and its undesired effects on home culture and design of Islamic world is considered. So the essential question of this study is the status of production and productive activities in traditional Islamic houses, the nature of modernistic view of the subject and contemporary condition of Iran and Islamic world. Here after general study of the matter in both traditional and modern era, an inquiry is conducted among housewives of the city of Qom. The samples were selected intentionally upon their religious life-style to study that how Islamic view of home-based production is pursued in contemporary religious society. A composed questionnaire of closed and open questions was prepared and distributed among 35 families who partially known by research group. Some analyzes were about productive activities advised by Islamic holy texts such as weaving and keeping productive animals at home or those that could be seen in direct line with them such as home-based foods. One important analyze was due to meaningful differences between productive life-style of dwellers of apartment houses and those who lived in row houses with front-yards. This showed a considerable difference among them as front-yard houses showed much more potential for productive activities. Another main difference was seen between age-groups of 20-40 years old and 40-60 ones that the recent one were more active in home-based production. Some main analyzes were concentrated on kitchen space as modern center of production at home. The main phenomenon is that there is huge concentration of works in space in modern houses. The transformation from traditional wood hearth kitchens to modern open kitchen, although is viewed by some as a progressive process towards elimination of placing women as second gender, but could be interpreted more reasonably as a restrictive change in woman territorial claim on home area; this means that her mere functional presence at home was only limited to have lunch cooked and other jobs of her at home were conducted in lively spaces of home even with neighbor women; and this cannot be seen as servant-type works but as lively jobs of everyday; there, her

* msnarighomi@ut.ac.ir



freedom to choose jobs places around the house made her territorial claim on home very stronger. It is also true about working times of the kitchen while it was active one time a day for pre-modern wife, now it should be active almost all day long. Changing temporal division into spatial one that restricts women's claim to kitchen, is main cultural result of modern housing in this respect, but even in this circumstances, the above mentioned religious force has yet strong effects. Sacredness of productive space of kitchen was asked through some different questions. A sign of sacredness in perception of kitchen for Iranian housewives has been old custom to separate food disposals from other debris especially in terms of using independent swage system (even specified swage well) for dishwashing which might consist of some remainders of food (specially bread and rice). It was asked in the questionnaire to make comparative statements about certain topics and this separation of swages was one of them. Only in two cases, it was seen unimportant. If we add to this the fact that 13 of 15 emphasized on necessity of not turning back to Holy Direction of Mecca (Qiblah- although it is not regarded in new house designs), it can be concluded that even now kitchen has some strong aspects of sacredness in imagination of these Muslim housewives. In summary, findings of the research show that domestic production is of great value in Islamic thought and this role has been manifested in the form of specialized home spaces (from temporal and spatial configurations made by productive activities) and modernity has confronted with this subject via two contradictive approaches (optimization of domestic work or omitting any productive work from home space). Since the second approach was the one preferred by modernists, results of modern culture for Islamic society brought about non-productive domesticity. But this does not mean that now there is no home-based production in contemporary Islamic societies. It is an important reality as well as an idealistic goal that should be considered in architectural design of future which could be realized by identifying of all required or desired home-based productive activities, appropriation of house designs for incorporation of them and making architects, designers and housing planners aware of their role and responsibility in materializing this idea to fulfill this need of dwellers.

Keywords: Islamic housing, Production, Economic efficiency, Modernism, The city of Qom.

